

استفان ویلیام هاوکینگ

استفان ویلیام هاوکینگ، مردی است که او را بزرگترین نابغه قرن بیستم، با هوشترین مغز زنده، و جانشین انیشتن و پدر فیزیک نظری و خارق العاده ترین دانشمند، روزگار ما نامیده‌اند.

استفان ویلیام هاوکینگ در هشتم ژانویه سال ۱۹۴۲م. در شهر «هر تفورد شایر» انگلستان به صورت کودکی کاملاً سالم به دنیا آمده پدرش پزشک بود. او دو خواهر کوچکتر و یک برادر خوانده دارد. در دوران کودکی به مدرسه خصوصی می‌رفت و در طول تحصیل با وجود این که تکالیف ریاضی خود را هرگز انجام نمی‌داد همیشه حداکثر نمره را در این درس می‌گرفت. در سال ۱۹۵۸م. ویلیام در کلاس ششم دبیرستان در زمانی که فقط چند شرکت بزرگ در جهان دارای کامپیوتر بودند به کمک دوستانش موفق به ساختن یک کامپیوتر شد. پس از گرفتن دیپلم موفق به دریافت بورسیه دولتی گردید و وارد دانشگاه اکسفورد در رشته علوم طبیعی شد. دروس این رشته برایش بسیار ساده بود به طوری که یک بار وقتی استادش برای دانشجویان از روی کتاب فیزیک سوال طرح می‌کرد، او به جای انجام تکالیف شروع به تصحیح کتاب مورد بحث کرد.

هاوکینگ تصمیم گرفت دکترای خود را در رشته ریاضیات و فیزیک نظری در دانشگاه کمبریج ادامه دهد. او در سال ۱۹۶۲م. از آکسفورد با عالیترین نمرات فارغ التحصیل شد و به کمبریج قدم گذاشت از همان سالها ناتوانیهای جسمی او به مرور خود را نشان داد و دستها و پاهاى او روز به روز ضعیفتر می‌شد. پس از جشن تولد بیست و یک سالگی پدرش او را نزد پزشک برد، آزمایشهای متعدد نشان دهنده بیماری نادر و غیر قابل درمان ALS بود، بیماری که، اعصاب ستون فقرات و قسمتی از مغز را از بین می‌برد و حرکات جسمی را غیر ممکن می‌کند. سلولها به مرور از بین می‌روند و باعث فرسودگی و تحلیل ماهیچه‌ها می‌شوند و در نهایت سبب فلج کلی می‌گردند. پزشکان به او گفتند که او فقط دو سال و نیم دیگر زنده است. پس از اطلاع از این حقیقت او به ناراحتی عمیق

عصبی دچار شد. اگر او فیزیكدانی تجربی بود دیگر ادامه کار علمی برایش مقدور نبود، ولی این بیماری به قسمتهایی که از مغز مثل قسمت افکار و خاطرات لطمه‌ای نمی‌زند و اتفاقاً فیزیک نظری یکی از نادر علومی است که فقط به مغز نیاز دارد. هاوکینگ روحیه خود را تقویت کرد و به کار بازگشت. او بیشتر بهبودی روحیه خود را مدیون دختری به نام جینی وایلد است. دختری که با او در یک میهمانی آشنا شد. او اواخر هفته برای دیدن هاوکینگ به کمبریج می‌رفت. در جولای سال ۱۹۶۵ م. با هم ازدواج کردند و در خانه کوچکی که اجاره کرده بودند. زندگی خوشی را آغاز نمودند. در سال ۱۹۶۶ م. با پیشرفت بیماری او دیگر قادر به سخن گفتن به صورت روشن و مشخص نبود. به زحمت و دشواری با کمک چوب زیر بغل راه می‌رفت. در سال ۱۹۶۷ م. اولین فرزندش به دنیا آمد و همزمان با تولد او هاوکینگ برنده جایزه آدالز برای مقاله‌ای به نام مراد واحده وهندسه زمانی آسمانی شد. دانشمندان کم کم او را جانشینی برای انیشتین شناختند. در سال ۱۹۶۹ م. هاوکینگ و پرنس کتابی انتشار دادند و ثابت کردند که واقعاً انفجار بزرگ اتفاق افتاده و کهکشان پانزده میلیارد سال قبل از یک ماده واحده به وجود آمده است. در این زمان او دیگر روی صندلی چرخدار می‌نشست ولی روحیه‌ای قوی داشت. همواره به بزرگترین ناتوانیهای جسمی با دید مثبت می‌نگریست و این راز ادامه حیات اوست.

در سال ۱۹۷۰ م. دومین فرزندش به دنیا آمد. او به علت بیماری دیگر نمی‌توانست از ماشین تحریر یا کاغذ و قلم استفاده کند و مجبور بود طولانی‌ترین محاسبات را در مغز خود انجام دهد. در سال ۱۹۷۴ م. کتاب انفجارهای حفره‌های سیاه را به چاپ رسانید و او در سن سی دوسالگی به موفقیت بزرگی دست یافت و به عضویت انجمن سلطنتی انگلستان در آمد. او یکی از جوانترین افراد معرفی شده در تاریخ انجمن سلطنتی بود و این افتخار برای قدردانی از کارش در فیزیک نظری به وی اعطا شد. طبق سنتی که به قرن هفدهم می‌رسد، رسم بر این است که اعضای جدید به جایگاه مخصوص می‌روند تا با رئیس انجمن دست بدهند و فهرست افتخار را امضاء کنند. اما در این مراسم رئیس انجمن سر آلن‌ها جکین زیست شناس برنده جایزه نوبل دفتر ثبت نام را از جایگاه مخصوص به کنار صندلی چرخدار هاوکینگ عضو جدید در قسمت جلوی تالار آورد.

هاوکینگ دکترای خود را در رشته زبان گرفت و به تدریس زبان فرانسه و اسپانیایی در

دانشگاه کمبریج پرداخت. در سال ۱۹۷۸م. هاوکینگ جایزه آلبرت انیشتین را در شهر واشنگتن دریافت کرد و سال بعد سومین فرزند آنها « تیموتی » به دنیا آمد، او در این سال به عنوان استاد ریاضیات در دانشگاه کمبریج پذیرفته شد.

هاوکینگ در سال ۱۹۸۵م. بعد از سفری به دور دنیا و شرکت در مجامع متعدد به ژنورفت و در آنجا با بیماری ذات الریه که برای بیماران مبتلا به عدم تحرک عصبی (ALS) بسیار خطرناک است تا پای مرگ پیش رفت. پزشکان گفتند اگر لوله‌ای در نای او برای تنفس قرار ندهند او خواهد مرد.

ولی بعد از این عمل او دیگر هرگز قادر به حرف زدن نبود او اینک به کمک کامپیوتر شخصی کوچکی که به صدلی چرخدارش وصل شده قادر به حرف زدن است در سال ۱۹۸۸م. او کتاب خلاصه‌ای از تاریخ زمان را منتشر کرد که جزو پر فروشترین کتابها قرار گرفتند و پنج بار تجدید چاپ شده است. در سال ۱۹۸۹م. ملکه انگلیس او را به عنوان «ملازم ویژه» ملقب کرد و هفته بعد دانشگاه کمبریج به او دکترای افتخاری در علوم داد. امروزه یکی از علل اصلی علاقه عمومی مردم به علم فیزیک نظری مدیون استفان هاوکینگ و استعداد شگرف او برای بیان نظریه‌های بسیار پیچیده به زبان ساده است. نظر او در مورد توانایی سوراخهای سیاه در نابودی منظومه شمسی افکار مردم را به خود جلب کرده است.

از زمانی که نای او عمل شده است بیماری او به مرحله جدیدی رسیده است. کسی که نمی‌تواند بگوید وی تا کی زنده خواهد ماند. چه سالهاست که همه هر روز نگران زنده ماندن او هستند ولی شجاعت بی مانند و روحیه قوی او در طی این سالها او را یاری کرده است. او خود می‌گوید. انسان باید آن قدر عاقل باشد که بداند زندگی هرگز با هیچ کس عادلانه برخورد نمی‌کند و بلکه ما انسانها باید خود را با موقعیتی که در آن قرار داریم تطبیق دهیم و از آن نهایت استفاده را بکنیم.^(۱)

۱- منصور برجیان، نوابغ و مشاهیر معلول جهان صفحات ۲۰۴-۲۰۷، مقدمه کتاب زمان